کار ویراستار ارتقا بخشیدن به اثر است (گفتگو با اصغر استاد حسن معمار نویسنده و ویراستار)

ایمانی، زهرا

استاد حسن معمار، اصغر

متولد 1340؛تهران؛دیپلم فنی؛بازنشسته ارتش؛مجروح جنگی در کرخه نور است.

از کی نوشتن را شروع کرده‏اید؟ از دوران راهنمایی و بعد هنرستان‏ فنی.از زنگهای انشاء؛و بعد،از زمانی که پدرم‏ مرا به کنار ماشینهای چاپ برد و با حروف‏ سربی و مرکب،کتاب و کاغذ آشنا کرد. آثار تالیفی‏تان؟

رمان«شیدا»در موضوع دفاع مقدس، که در سال 1378 چاپ شد.داستانهای کوتاه‏ که در مجموعه‏های داستانی دفتر هنر و ادبیات‏ ایثار و دفتر هنر و ادبیات استانی سازمان بسیج‏ و یا نشریات مختلف به چاپ رسیده است. کار ویراستاری را از کی آغاز کرده‏اید؟

با آغاز کار در دفتر هنر و ادبیات ایثار، یعنی سال 1375.مجموعه‏های داستانی‏ «موضع خورشید»،«خانهء دریا»،«مثل گل، مثل عطر سیب»،«آینه عشق»،...حاصل‏ این تلاش است البته بعدها به آفات این کار مبتلا شدم.نوقلمانی بودند که با تکیه بر کار چاپ شده‏شان-که من کارشان را ارتقا داده‏ بودم-خود را برتر از آنچه که بودند،قلمداد می‏کردند.

بیشتر به نوشتن علاقمندید یا ویراستاری؟

نوشتن.زیرا جوششی از درون است. کدامیک برایتان آسان‏تر است؟ نوشتن.زیرا ویراستاری مانند سفره‏ای‏ است که پهن شده است که در آن وارد می‏شوم، چرخی می‏زنم.حاصل کار،چیدن اجزای سفره‏ به بهترین شکل است.

سوژه‏های داستانهایتان را از کجا پیدا می‏کنید؟

از شخصیتهای واقعی.بخصوص از چهرمانهای دفاع مقدس وام می‏گیرم. ویراستاری‏ مانند سفره‏ای‏ گسترده است که‏ در آن وارد می‏شوم،چرخی‏ می‏زنم. حاصل کار، چیدن اجزای‏ سفره به بهترین‏ شکل است

در کارهای ویراستاری که انجام‏ می‏دهید،چقدر متن تغییر می‏کند؟ من تعهد خود را به خواننده بیشتر از نویسنده-بخصوص درمورد نوقلمان-می‏دانم. گمان می‏کنم در آثار نورسیده‏ها،انرژی نویسنده‏ به تمامی خرج شده است.

و این ویراستار است که در مقام ارتقا بخشیدن به اثر،باید آستین همت بالا بزند و به میدان قدم بگذارد.

در هماهنگ شدن با نویسنده‏ (اتفاق‏نظر ویراستار و نویسنده)دچار مشکل هم شده‏اید؟

گمان می‏کنم در این مورد،روابط خوبی با نویسنده‏ها دارم.کدام نویسنده‏ای‏ است که از کار روان،بدون دست‏انداز و زیبا بدش بیاید؟

بهترین اثری که ویراستاری آن‏ را به‏عهده گرفته‏اید کدام اثر و از کدام‏ نویسنده بوده است؟

کتاب«عشقه»کاری از علی اکبر خاوری‏نژاد بود،که سرگذشت سی و یک شهید یکی از روستاهای قائم‏شهر بود.

اما کاری که بیشترین وقت و توان را از من گرفت،ویرایش و پیرایش رمان«آینه‏ عشق»بود.تحریر اولیه این رمان را آقای‏ غلامعلی رنجبر گل‏محمدی انجام داده بود. با توصیه حاج آقا مجتبی شاکری-مسئول وقت‏ دفتر هنر و ادبیات ایثار-آن را در دست گرفتم‏ و سطر سطر،آن را پیش بردم.

و حرف دیگر....؟

پروردگارا،مرا به‏خاطر حذف آنچه که‏ نویسندگان به سختی روی کاغذ می‏آورند و من به راحتی برگردشان خط می‏کشم،ببخش‏ و بیامرز!